



Original Article

Ensuring the Structural Independence of the Judiciary in Light of the Opinions of the Guardian Council

Ahmad Rahimi¹, Mohammad Sadegh Farahani², Ali Fattahi Zafarghandi³

ABSTRACT

In Article 57 of the Constitution, the constitutional legislator considers the ruling powers to be "independent of each other" and in Article 156 of this law, where describing the judiciary, with double emphasis, it considers the judiciary as an independent power. Therefore, the independence of the judiciary has been given special attention by the constitutional legislator. An important aspect of the judiciary independence is structural independence, which expresses the independent position and status of the judiciary compared to other powers or external persons. Accordingly, this research, conducted using library data and through an analytical-descriptive approach, answers to the question that how it is determined the requirements of the structural independence of the judiciary in the opinions of the Guardian Council as the interpreter and the guardian of the Constitution. The result of this demonstrative study is "the exclusive competence of the judiciary in proposing the judicial bill, preparing, approving, amending and canceling executive and judicial regulations" and "the prohibition of supervision of other powers on the functioning of the judiciary". Also, the features of relationship between the judiciary and the Ministry of Justice, with emphasis on the independence of the judiciary, have been described in such a way that "equipping and providing the judicial system" is with the judiciary. In addition, from the Guardian Council point of view, the concept of the independence of the judiciary includes all institutions and organizations subordinate to this branch.

KeyWords: Structural Independence, Judiciary, Minister of Justice, Guardian Council, Supervision.

How to Cite: Rahimi, Ahmad, Farahani, Mohammad Sadegh, Fattahi Zafarghandi, Ali, "Ensuring the Structural Independence of the Judiciary in Light of the Opinions of the Guardian Council", Legal Research, Vol. 28, No. 109, 2025, pp:175-198.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.229564.2370>

Received: 20/11/2022-Accepted: 23/10/2023

1. Ph.D Candidate, Faculty of Law, University of Tehran: Farabi College, Qom, Iran

Corresponding Author Email: Ahmad.rahimi@ut.ac.ir

2. Ph.D, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

3. Assistant Professor, Guardian Council Research Institute, Tehran, Iran



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



تضمین استقلال ساختاری قوه قضائیه در پرتو نظرات شورای نگهبان

احمد رحیمی^۱، محمد صادق فراهانی^۲، علی فتاحی زفرقندی^۳

چکیده

قانون‌گذار اساسی در اصل ۵۷ قانون اساسی قوای حاکم را «مستقل از یکدیگر» می‌داند و در اصل ۱۵۶ این قانون در مقام توصیف قوه قضائیه با تأکیدی مضاعف قوه قضائیه را قوه‌ای مستقل می‌داند. بنابراین استقلال قوه قضائیه مورد اهتمام ویژه مقنن اساسی قرار گرفته است. یک جنبه مهم از استقلال قوه قضائیه، استقلال ساختاری است که بیانگر جایگاه و وضعیت مستقل قوه قضائیه نسبت به سایر قوا یا اشخاص بیرونی است. بر همین اساس، این پژوهش که با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با رویکردی تحلیلی-توصیفی انجام پذیرفته است، در مقام پاسخ به این پرسش است که بایسته‌های حاکم بر استقلال ساختاری قوه قضائیه در نظرات شورای نگهبان به‌عنوان مفسر و پاسبان قانون اساسی، چگونه تعیین شده است. نتیجه این پژوهش مبرهن «صلاحیت انحصاری قوه قضائیه در پیشنهاد لایحه قضایی، تهیه، تصویب، اصلاح و نسخ آیین‌نامه‌های اجرایی و قضایی» و «ممنوعیت نظارت سایر قوا بر عملکرد قوه قضائیه» است. همچنین مختصات ارتباط قوه قضائیه با وزارت دادگستری با تأکید بر استقلال قوه قضائیه، به نحوی ترسیم شده است که «تجهیز و تأمین تشکیلات قضایی» با قوه قضائیه است. مضافاً اینکه، از منظر شورای نگهبان اطلاق مفهوم استقلال قوه قضائیه شامل تمامی نهادها و سازمان‌های زیرمجموعه این قوه می‌شود.

کلید واژگان: استقلال ساختاری، قوه قضائیه، وزیر دادگستری، شورای نگهبان، نظارت.

استناد به این مقاله: رحیمی، احمد، فراهانی، محمد صادق، فتاحی زفرقندی، علی، «تضمین استقلال ساختاری قوه قضائیه در پرتو نظرات شورای نگهبان»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۸، شماره ۱۰۹، فروردین ۱۴۰۴، صص: ۱۷۵-۱۹۸.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2023.229564.2370>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

۱. دانشجوی دکتری، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران: دانشکدگان فارابی، قم، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: ahmad.rahimi@ut.ac.ir

۲. دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. استادیار، پژوهشکده شورای نگهبان، تهران، ایران

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

نقش و کارکرد قوه قضائیه مستلزم آن است تا دستگاه قضایی مصون از مداخله و نفوذ باشد تا بتواند بر پایه انصاف و عدالت به احیای حق و اجرای عدالت بپردازد.^۱ بنابراین، یکی از اوصاف اساسی قوه قضائیه استقلال آن از سایر قواست که یک بُعد آن در قالب استقلال ساختاری تجلی پیدا می‌کند.^۲ در واقع استقلال ساختاری قوه قضائیه مبرهن وضعیت یا موقعیت مستقل قوه قضائیه نسبت به قوای دیگر یا اشخاصی خارج از این قوه است که واقعاً یا در ظاهر دارای اختیارات یا توانایی‌های قانونی یا غیرقانونی برای اثرگذاری بر عملکرد قوه قضائیه‌اند.^۳ از این رو، تأمین دادرسی عادلانه در عمل، درگرو رعایت استقلال ساختاری قوه قضائیه است. به این معنا که اگر چیدمان نهادهای قوه قضائیه و تعامل آنها با نهادهای بیرونی به گونه‌ای باشد که امکان نفوذ و دخالت در این قوه فراهم شود، دادرسی عادلانه و استقلال قضایی در معرض تهدید خواهد بود.^۴

بر همین اساس است که چگونگی ترسیم و سازمان‌دهی قوه قضائیه و استقلال ساختاری آن در برابر ارکان حاکمیت همواره از چالش‌های پیش‌روی قانون‌گذاران اساسی بوده است. از این رو، واضعان قانون اساسی با دقت نظر خاصی نسبت به ترسیم هندسه ساختاری قوه قضائیه و کیفیت مراودات آن با سایر قوا اقدام می‌کنند تا زمینه هرگونه تأثیرگذاری و نفوذ سایر قوا و نهادهای حکومتی بر قوه قضائیه بسته شود.^۵ در همین راستا، کاتبان قانون اساسی در اصل ۵۷ در مقام ترسیم ساختار حاکمیت، قوای حاکم را «مستقل از یکدیگر» می‌دانند و در اصل ۱۵۶ این قانون در مقام توصیف قوه قضائیه به‌طور اخص، اشعار می‌دارند: «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل...». این درحالی است که در هیچ‌یک از اصول دیگر قانون اساسی به‌طور خاص تأکیدی مضاعف بر استقلال قوای مجریه و مقننه نشده است. بنابراین، «استقلال ساختاری قوه قضائیه» مورد اهتمام ویژه قانون‌گذار اساسی قرار گرفته است.^۶

اما دقت در مهندسی و ژرف‌اندیشی واضعان قانون اساسی در گذر زمان به‌ناچار ناگزیر تفسیر و اظهار نظر مفسر آن است.^۷ به موجب اصل ۹۸ قانون اساسی، وظیفه تفسیر قانون اساسی برعهده شورای نگهبان است که با تصویب سه‌چهارم آنان انجام می‌شود. این شورا در استمرار زمان و در راستای انجام وظیفه تطبیق مصوبات با قانون اساسی، نظرات و دیدگاه‌هایی در خصوص ماهیت استقلال قوه قضائیه ابراز کرده است که مبرهن بایسته‌های استقلال ساختاری این قوه است.^۸ بررسی این دیدگاه‌ها و نظرات شورای نگهبان حائز کمال اهمیت است؛ چراکه همواره در خلال قانون‌گذاری عادی امکان نقض استقلال ساختاری این قوه وجود دارد و تنظیم ارتباط قوه قضائیه با قوای مجریه و مقننه به‌منظور حفظ استقلال ساختاری این قوه و تضمین دادرسی عادلانه، ممانعت از دخالت و تعدی نسبت به وظایف خاص آن و مواردی از این قبیل،

۱. خسروی، حسن، *حقوق اساسی ۲*، تهران: دانشگاه پیام‌نور، چاپ نهم، ۱۳۹۴، ص ۲۵۵.

۲. مجیدی، محمدرضا، *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹، ص ۲۵۲.

۳. ناجی‌زواره، مرتضی، *دادرسی بی‌طرفانه در امور کیفری*، تهران: شهردانش، ۱۳۸۹، ص ۹۱.

۴. خالقی، علی، *نکته در آیین دادرسی کیفری*، تهران: شهر دانش، چاپ دهم، ۱۳۹۶، ص ۲۹.

۵. خسروی، پیشین، ص ۲۵۵.

۶. مجیدی، پیشین، ص ۲۵۲.

۷. اصغری، محمدرضا، خلف رضایی، حسین، راجی، و سید محمد هادی، *شرح قانون اساسی: فصل ششم قوه مقننه*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶، ص ۱۴.

۸. مهرپور، حسین، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۲۳۰.

همواره در بین نظرات شورای نگهبان در قالب تأیید یا ایراد نسبت به مصوبات معنا و مفهوم می‌یابد. بنابراین، اگرچه نمودار کلی استقلال ساختاری قوه قضائیه توسط واضعان قانون اساسی (مجلس خبرگان قانون اساسی) ترسیم شده است، جزئیات حفظ حیات مستقل این قوه، با تعیین دقیق حدود مرز آن، توسط نهاد پاسبان قانون اساسی (شورای نگهبان) صورت می‌گیرد. لذا این پژوهش مترصد آن است تا ماهیت استقلال ساختاری قوه قضائیه را در مجموعه نظرات شورای نگهبان مورد بررسی قرار دهد و با بررسی و ارزیابی این نظرات از لابه‌لای آنها، مهم‌ترین بایسته‌های حاکم بر تضمین استقلال ساختاری قوه قضائیه را، که مبین رویه و دیدگاه شورا نسبت به این مهم است، آشکار کند. بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه استنباط شورای نگهبان از استقلال ساختاری قوه قضائیه با تکیه بر دیدگاه‌ها و نظرات شورا چگونه ارزیابی می‌شود؟ به عبارت دیگر، از منظر شورای نگهبان، بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه چیست؟

در خصوص پیشینه موضوع باید بیان داشت که تاکنون پژوهش‌هایی درباره جنبه‌های مختلف استقلال قوه قضائیه نگارش یافته است. برای مثال مقاله «تعامل قوه قضائیه با وزارت دادگستری در پرتو آرای شورای نگهبان» در مجموعه «نقد رویه‌های شورای نگهبان» به کوشش علی اکبر گرجی از ندریانی و محمد مهاجری ضمن بررسی تحولات تاریخی در ساختار مدیریت قوه قضائیه به شرایط و اختیارات وزارت دادگستری، تشکیلات وزارت دادگستری و پاسخ‌گویی وزیر دادگستری می‌پردازد. مقاله «مفهوم و جایگاه استقلال قضایی در قانون اساسی» نوشته فرشید مقیمیان بروجنی در میثاق ملی: مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت روز قانون اساسی نیز بر اقسام استقلال قضایی و لوازم تحقق آن تأکید دارد. پژوهشی دیگر با عنوان «بازخوانی امکان «استقلال بودجه‌ای قوه قضائیه» در چارچوب نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران» نوشته امیر کشتگر و دیگران منتشر شده در شماره ۳۶ سال یازدهم فصلنامه حقوق عمومی، جنبه استقلال مالی و بودجه‌ای قوه قضائیه را بررسی کرده است. بنابراین از آنجاکه در پژوهش حاضر نگرش خاص شورای نگهبان نسبت استقلال ساختاری قوه قضائیه مدنظر است و نظرات شورای نگهبان معنی بخش و ترسیم‌کننده بایسته‌های استقلال ساختاری این قوه است، لذا از این منظر پژوهش حاضر متصف به صفت بدیع بودن است.

این تحقیق با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با رویکردی تحلیلی - توصیفی، از طریق بررسی نظرات شورای نگهبان (موجود در سامانجام نظرات شورای نگهبان و کتب مربوط) و استخراج دیدگاه‌ها و نظرات و تطبیق و تحلیل آن با اطلاعات گردآوری شده از کتب و مقالات در چهار بخش «انحصار ابتکار هنجارهای قضایی در قوه قضائیه»، «ممنوعیت نظارت سایر قوا بر عملکرد قوه قضائیه»، «مختصات ارتباط قوه قضائیه با وزارت دادگستری» و «رابطه نهادهای زیر مجموعه قوه قضائیه با سایر قوا» انجام می‌پذیرد. این ساختار تا حدود زیادی تحت تأثیر تعداد نظرات شورای نگهبان در موضوعات مطروحه و ساختار قوه قضائیه و نیز اصل تناسب مباحث ترسیم شده است.

۱. انحصار ابتکار هنجارهای قضایی در قوه قضائیه

قوه مقننه و به بیان دقیق‌تر، مجلس شورای اسلامی، وظیفه و صلاحیت وضع قانون را بر عهده دارد.^۱ در عین حال، «دولت در مقام اجرا، خود را نیازمند قوانینی می‌بیند که در ایجاد نظم عمومی و تأمین نیازمندی‌های جامعه راهنمایش باشد».^۲ از این رو در قانون اساسی این امکان پیش‌بینی شده است که وضع قانون تحت عنوان «لوائح قانونی» از طرف هیئت وزیران

۱. ره‌پیک، حسن، مقدمه علم حقوق، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴، ص ۸۶.

۲. هاشمی، محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد ۲، تهران: میزان، ۱۳۹۸، ص ۳۱۸.

برای تصویب به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شود. اما این نیازمندی فقط مختص قوه مجریه نیست و قوه قضائیه نیز وضعیتی مشابه دارد و نیازمند پیشنهاد لوایح و تصویب آیین‌نامه‌هایی در جهت حرکت متناوب و صحیح خود است. بر این اساس، شورای نگهبان در موارد متعددی به مصوبات مجلس که در آنها اختیار وضع لوایح یا آیین‌نامه‌های قضایی به شخص یا نهاد دیگری داده شده، ایراد نموده است که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۱. لزوم تهیه لوایح قضایی توسط قوه قضائیه

قانون اساسی در اصل ۱۵۸ یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه را «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی» ایران تعیین کرده است.^۱ درباره معنای اصطلاحی «لایحه قضایی»، «در خصوص شمول محتوای لوایح مزبور میان دیدگاهی مضیق و حداقلی (شامل امور قضایی محض) و دیدگاهی موسع و حداکثری (اعم از امور قضایی محض و امور اداری و مالی مرتبط) بین صاحب‌نظران اختلاف نظر وجود دارد».^۲ در دیدگاه مضیق مصادیق قابل انعکاس در قالب لایحه قضایی محدود است و هیئت وزیران وظیفه ارسال لایحه قضایی به مجلس را برعهده دارد و در دیدگاه موسع مفاد لایحه قضایی شامل تمامی موضوعات مندرج در فصل یازدهم قانون اساسی است.^۳ شورای نگهبان در مقام پاسخ به استفساریه رئیس وقت قوه قضائیه پیرامون مفهوم لایحه قضایی و تفاوت آن با لایحه قانونی و تشریفات بررسی و تصویب آن در مجلس در نظر شماره ۷۹/۲/۱۰۶۵ مورخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ چنین اظهارنظر کرده است که فرق لوایح قضایی و غیرقضایی مربوط به محتوای آن است و هیئت دولت نمی‌تواند مستقلاً لایحه قضایی تنظیم و آن را به مجلس شورای اسلامی ارسال کند و هرگونه تغییر امور قضایی در این لوایح نیز فقط با جلب موافقت رئیس قوه قضائیه مجاز است.^۴ بنابراین به نظر می‌رسد رویکرد شورای نگهبان مبنی بر پذیرش دیدگاهی موسع از لوایح قضایی است.^۵

نکته حائز توجه دیگر، امکان ارسال مستقیم لوایح قضایی توسط رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی است. قانون الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مقرر داشته است: «در صورتی که دولت در مدت مذکور [سه ماه] نتواند نسبت به تصویب و ارسال لایحه به مجلس اقدام نماید و سه ماه دیگر از مهلت قانونی آن بگذرد، رئیس قوه قضائیه می‌تواند مستقیماً لایحه را به مجلس ارسال کند». مطابق این تبصره، قانون‌گذار عادی صلاحیت ارسال مستقیم لوایح قضایی از سوی رئیس قوه قضائیه به مجلس را بدون تصویب هیئت‌وزیران، در شرایطی به رسمیت شناخته است.^۶ در دیدگاهی همسو با این قانون، برخی ضمن تأیید صلاحیت رئیس قوه قضائیه برای ارسال لایحه قضایی به مجلس معتقدند، ارسال لایحه به دولت صرفاً از لحاظ رفع ایراد مقرر در اصل ۷۵ قانون اساسی (تعیین طرق جبران

۱. جمعی از نویسندگان، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان و پژوهشکده عدالت، ۱۴۰۰، ص ۱۵۱.

۲. زمانی، امین‌اله، محمدحسین باقری‌خوزانی، «صلاحیت رئیس قوه قضائیه در ارسال لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۲، شماره ۱۰۳، ۱۳۹۷، ص ۳۶.

۳. کاشانی، جواد، «مفهوم لایحه قضایی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۸، شماره ۵۳، ۱۳۹۵، صص ۱۸-۱۳.

۴. فتحی، محمد، کاظم کوهی اصفهانی و دیگران، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۸، ص ۲۸۵.

۵. زمانی و باقری خوزانی، پیشین، ص ۳۷.

۶. جمعی از نویسندگان، پیشین، ص ۱۵۱؛ وکیل، امیر ساعد و پوریا عسکری، *قانون اساسی در نظم حقوق کنونی*، تهران: مجد، ۱۳۸۸، ص ۵۲۰. برای مطالعه نقدهای این دیدگاه شورای نگهبان ر.ک: الهام، غلام‌حسین و محمدامین ابریشمی‌راد، «نقد نظر شورای نگهبان در خصوص امکان ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس»، *فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی*، دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۳۹۳.

کاهش درآمد یا تأمین هزینه‌های جدید) قابل توجیه است.^۱ لکن باید در نظر داشت که چگونگی مشارکت رئیس قوه قضائیه در امر تقنین در قانون اساسی مشخص شده است. در واقع ابتکار قانون‌گذاری در قانون اساسی به صورت «طرح» یا «لایحه» است. طرح‌های قانونی از سوی نمایندگان مجلس (و در موارد استثنایی شورای عالی استان‌ها) تهیه و ارائه می‌شوند و لوایح قانونی پس از تصویب هیئت وزیران به مجلس ارائه می‌شوند. بنابراین هرچند تهیه لوایح قضایی جزء صلاحیت‌های رئیس قوه قضائیه است، فرایند تقدیم آن همان‌آخذ مجوز عبور از هیئت وزیران است. به عبارت دیگر، شیوه‌های شروع قانون‌گذاری در مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی تصریح شده است و اضافه نمودن شیوه‌ای دیگر محملی ندارد و روا نیست.^۲

با مذاقه در مطالب فوق‌الذکر و به‌ویژه تفسیر موسع شورا از لایحه قضایی و نیز عدم ایراد نسبت به امکان ارسال مستقیم لایحه توسط رئیس قوه قضائیه به مجلس، قابل پیش‌بینی خواهد بود که شورا با پیشنهاد هر لایحه‌ای که رنگ و بوی قضایی داشته باشد، توسط نهاد یا شخصی غیر از رئیس قوه قضائیه مخالفت کند. این مهم در خصوص «لایحه توقف اجرای احکام و دستورهای اجرایی دادگاه‌های صالحه و مراجع ثبتی در مورد اسناد اجاره محل‌های مسکونی» مصوب سال ۱۳۶۰ اتفاق افتاده است. به‌موجب این لایحه، اجرای احکام دادگاه‌های صالح و دستورهای اجرایی مراجع ثبتی (مبنی بر تخلیه) درباره اجاره کلیه محل‌های مسکونی، به مدت یک سال از تاریخ تصویب این قانون، متوقف می‌شد.

شورای نگهبان در نظر شماره ۳۹۶۵ مورخ ۱۳۶۰/۸/۲۶ در خصوص این لایحه چنین اظهارنظر کرده است که: «لایحه توقف اجرای احکام و دستورهای اجرایی دادگاه‌های صالحه و مراجع ثبتی» ... از لحاظ اینکه به‌وسیله شورای عالی قضایی تهیه نشده و از لحاظ اینکه منافی با استقلال قوه قضائیه است، با اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ ... مغایر شناخته شد». بنابراین ایراد شورا بر این لایحه بر دو مبنا استوار است: یکم، اینکه این لایحه توسط شورای عالی قضایی^۳ تهیه نشده است؛ دوم اینکه، چنین مقرره‌ای مخالف با استقلال قوه قضائیه است.

به‌لحاظ اینکه این لایحه توسط شورای عالی قضایی پیشنهاد نشده است، ایراد اول شورا وارد به نظر می‌رسد و نکته لازم به ذکری پیرامون این ایراد وجود ندارد. اما راجع به ایراد دوم به نظر می‌رسد تکیه اصلی شورا بر این است که «متوقف نمودن احکام دادگاه‌ها» مخالف با استقلال قوه قضائیه است. در واقع یکی از ویژگی‌های بارز احکام صادره از دادگاه‌ها، «قطعیت» است و مقصود از آن این است که پس از اتمام رسیدگی در دادگاه و صدور حکم مقتضی و به پایان رسیدن مراحل اعتراض به آن، حکم صادره لازم‌الاجراست (و به تعبیری اعتبار امر مختومه را می‌یابد) و دیگر جز در موارد خاص و مصرح قانونی، نمی‌توان مانع اجرای آن شد.^۴

در خصوص این ایراد به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه لازمه استقلال قوه قضائیه، لازم‌الاجرا بودن احکام صادره از دادگاه‌ها و خدشه‌ناپذیر بودن آنهاست، ثمره ایراد به چنین مقرره‌ای توسط شورا، مسدود کردن باب امکان ممانعت از اجرای حکم دادگاه به‌موجب قانون عادی است. به بیانی بهتر، شورا نگهبان با این ایراد مانع از این رویه شد که قانون‌گذار بتواند با وضع قانون در موضوعات مختلف مانع اجرای احکام دادگاه‌ها شود و با چنین اقدامی بر ثبات و کیان قوه قضائیه خدشه وارد کند.

^۱ زمانی و باقری خوزانی، پیشین، ص ۳۸.

^۲ گرجی ازندریانی، علی اکبر و محمد مهاجری، *نقد رویه‌های شورای نگهبان*، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۸، ص ۱۰۸.

^۳ لازم به ذکر است تا قبل از بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸، انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه برعهده شورای عالی قضایی بود که از پنج عضو (۱- رئیس دیوان عالی کشور ۲- دادستان کل کشور ۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور) تشکیل می‌گردید. در این رابطه ر.ک: اصول ۱۵۷ و ۱۵۸ قانون اساسی قبل از بازنگری سال ۱۳۶۸.

^۴ اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۳، تهران: میزان، ۱۳۹۵، ص ۴۰.

۱.۲. لزوم تهیه آیین‌نامه‌ها توسط قوه قضائیه

در اصطلاح، مجموعه مقرراتی را که از طرف مقامات قوه مجریه مانند هیئت‌وزیران، وزیران وضع می‌شود «آیین‌نامه» می‌نامند. آیین‌نامه قواعد کلی لازم‌الاجرائی است که برای افراد به‌طور عام و عینی ایجاد حق و تکلیف می‌کند.^۱ ضرورت وضع آیین‌نامه مبتنی بر این حقیقت است که نمی‌توان اداره امور جامعه را منحصرأً از طریق قانون و قوه مقننه تأمین کرد. از این‌رو، نظام‌های حقوقی به اختیار یا به اجبار به نهادهای غیرتقنینی صلاحیت وضع مقرر از جمله آیین‌نامه را اعطا می‌کنند. وگرنه، نظم عمومی و ارائه خدمات به مخاطره می‌افتد؛ چراکه حفظ نظم و ارائه خدمات به همان اندازه که محتاج قوانین عام و کلی است، نیازمند مقررات خاص و جزئی نیز است.^۲ از طرف دیگر، با اینکه صلاحیت عام وضع قوانین در اختیار مجلس است، لکن پیش‌بینی و تعیین تمامی جزئیات مربوط به اجرای قوانین مانع اجرای وظایف مهم‌تر مجلس و رسیدگی و پیگیری مسائل مهم می‌شود.^۳ «به‌علاوه از نظر تقسیم‌کار و عدم تمرکز امور، بسیار سودمند است که قوه مجریه، که در عمل با واقعیات و مشکلات امور سروکار دارد، در تعیین تکلیف آنها با قوه مقننه تشریک‌مساعی و همکاری نماید».^۴ از جمله دیگر دلایل وضع مقرر از جمله آیین‌نامه به اجمال عبارت‌اند از: تأمین نفع و خیر عمومی، متکثر بودن یا تخصصی بودن موضوعات اداری و اجرایی، فوری بودن یا کم‌اهمیت بودن برخی امور اداری و اجرایی و طولانی بودن فرایند تقنین.^۵ دلیل و فلسفه تفویض اختیار وضع آیین‌نامه به قوه مجریه، نسبت به قوه قضائیه نیز صادق است. در واقع این قوه قضائیه است که به‌طور عینی و عملی با مسائل اداری و سازمانی امور مربوط به قضا روبه‌رو بوده و می‌تواند در جهت اجرای بهتر قوانین عام و بهبود عملکرد سازمانی و اجرایی، مقرراتی را در قالب آیین‌نامه تصویب کند. مضافاً اینکه در اصل ۱۵۷ قانون اساسی علاوه بر امور قضایی، کلیه امور اداری و اجرایی قوه قضائیه به رئیس قوه قضائیه واگذار شده است و اذن در امر، اذن به مقدمات آن نیز هست و لوازمی دارد که یکی از آنها تهیه آیین‌نامه است.^۶ بر همین اساس، شورای نگهبان حق تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی و قضایی مربوط به قوه قضائیه را در صلاحیت این قوه می‌داند و در مواردی که قانون‌گذار عادی مترصد تعیین مرجع دیگری در جهت تصویب این آیین‌نامه‌ها بوده است، آن مصوبه با ایراد شورا مواجه شده است که در ادامه به تفکیک نسبت به آیین‌نامه‌های اجرایی و قضایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۲.۱. آیین‌نامه‌های اجرایی

آیین‌نامه‌های اجرایی «مقرراتی هستند که به حکم صریح یا ضمنی قانون‌گذار برای تکمیل قانون در ارتباط با آن وضع می‌شوند».^۷ در مواردی که قانون‌گذار کلیات و اهم موضوع را تعیین و تصویب نموده و قوه مجریه یا قضائیه نسبت به تعیین

۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اداری*، تهران: سمت، ۱۳۹۵، ص ۳۱۲.

۲. راسخ، محمد، ریحانه کوشش کار و فائزه عامری، *وضع مقرر در قوه قضائیه*، تهران: دراک، ۱۳۹۴، ص ۱۸.

۳. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵، ص ۱۲۸؛ کاتوزیان، ناصر،

فلسفه حقوق، جلد ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵، ص ۹۴.

۴. طباطبایی مؤتمنی، پیشین، ص ۳۱۳.

۵. راسخ، پیشین، صص ۱۹-۲۲.

۶. سوادکوهی‌فر، سام، «بحثی پیرامون قدرت اجرایی آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های قوه قضائیه در مقایسه با آیین‌نامه‌ها و مصوبات قوه مجریه»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۶۵، شماره ۳۵، ۱۳۸۰، صص ۴۷-۴۶.

۷. موسی‌زاده، رضا، *حقوق اداری ۱ و ۲ (کلیات و ایران)*، تهران: میزان، ۱۳۹۶، ص ۱۵۱.

جزئیات و ریزه کاری‌های اجرای آن، در قالب تصویب آیین‌نامه اقدام می‌نماید.^۱ در مواردی قانون‌گذار تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به سازمان‌های زیرمجموعه قوه قضائیه را به نهاد دیگری واگذار کرده که با ایراد شورا مواجه شده است. از جمله این قوانین «لایحه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی» مصوب ۱۳۹۰ است. در ماده ۱۸ این لایحه تصویب آیین‌نامه اجرایی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که جزء سازمان‌های زیرمجموعه قوه قضائیه است، به هیئت وزیران واگذار شده بود.

شورای نگهبان در نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۴۳۳۱ مورخ ۱۳۹۰/۸/۴ این مصوبه را به دلیل اینکه تصویب آیین‌نامه نسبت به اموری را که مربوط به امور اجرایی قوه قضائیه است در صلاحیت هیئت وزیران قرار داده، مغایر با اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی شناخت. پس از ایراد شورا، مجلس نسبت به اصلاح ماده ۱۸ به این صورت اقدام نمود: یکم، عبارت «سایر امور اجرائی این قانون» را حذف نمود؛ دوم، وزارتخانه‌هایی را که در جهت تهیه آیین‌نامه همکاری می‌نمایند به وزارت دادگستری منحصر نمود؛ سوم، مرجع تصویب آیین‌نامه را از هیئت وزیران به رئیس قوه قضائیه تغییر داد.

بعد از انجام این اصلاحات، شورا لایحه را در نظریه شماره ۹۰/۱۰/۴۴۸۷۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱ تأیید کرد. مذاقه نسبت به ایراد شورا و اصلاح صورت گرفته توسط مجلس مبرهن آن است که یکی از بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه در نظرات شورای نگهبان این است که قوه قضائیه را مرجع صالح نسبت به تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط با این قوه می‌داند و هیئت وزیران (و به عبارت دیگر قوه مجریه) حق وضع چنین آیین‌نامه‌هایی را ندارد.

شایان ذکر است که این بُعد از تأمین استقلال ساختاری قوه قضائیه از طریق تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی توسط رئیس قوه قضائیه از جهتی ناقض استقلال قضایی (استقلال شخص قاضی) است. توضیح اینکه، هرچند که شیوه اعمال قوه قضائیه در قانون اساسی حکایت از نفی رابطه سلسله مراتبی بین رئیس قوه قضائیه و دادگاه‌ها دارد و شورای نگهبان بر این عقیده است که رئیس قوه قضائیه حق نقض احکام دادگاه‌ها را ندارد؛^۲ لکن با ممنوع کردن دیوان عدالت اداری از بازبینی مقررات قضایی مصوب رئیس قوه قضائیه^۳ عملاً قضات در مقام اجرای مقررات خلاف قانون قرار می‌گیرند. مضافاً اینکه، امکان تفوق رئیس قوه قضائیه بر دادگاه‌ها و قضات از طریق وضع چنین مقرره‌هایی دور از ذهن نیست^۴ و این بر خلاف استقلال شخص قاضی است.

۱.۲.۲. آیین‌نامه‌های قضایی

برخی از حقوق دانان بر این باورند که آیین‌نامه‌ها به‌طور کلی به سه دسته: ۱. آیین‌نامه اجرایی، ۲. آیین‌نامه جایگزین قانون و ۳. آیین‌نامه مستقل، تقسیم می‌شوند.^۵ لکن به نظر می‌رسد در خصوص آیین‌نامه‌های قوه قضائیه می‌توان به یک تقسیم‌بندی دوگانه قائل بود؛ توضیح اینکه، در برخی موارد آیین‌نامه‌ها مربوط به امور اجرائی، اداری و سازمانی غیر قضایی است که آن را «آیین‌نامه اجرایی» می‌نامند و در برخی موارد آیین‌نامه مورد نظر صرفاً به امور قضایی مانند نحوه انجام وظیفه مقامات قضایی، چگونگی اعمال نهادهای خاص کیفری موجود در قوانین، شیوه نگهداری و اعمال مجازات نسبت

۱. هاشمی، پیشین، ص ۳۳۳.

۲. نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۸۳۲۸ مورخ ۱۳۹۱/۷/۲۳ شورای نگهبان راجع به لایحه آیین دادرسی کیفری.

۳. تبصره ماده ۱۲ قانون دیوان عدالت اداری.

۴. جنیدی، لعیا و بیژن عباسی، *مباحث ملی: مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت روز قانون اساسی*، تهران: معاونت حقوقی

ریاست جمهوری، ۱۴۰۰، صص ۱۴۱-۱۳۲.

۵. موسی‌زاده، پیشین، ص ۱۵۱.

به محکومان، چگونگی میانجیگری کیفری و ... می‌پردازد که آن را به دلیل موضوع و ماهیت خاص آن، «آیین‌نامه قضایی» می‌نامیم.^۱

در خصوص آیین‌نامه‌های قضایی نیز شورای نگهبان معتقد به صلاحیت خاص رئیس قوه قضائیه است و مصوبات مغایر با این دیدگاه همواره با ایراد شورا مواجه بوده است. از جمله مهم‌ترین این مصوبات «لایحه آیین دادرسی کیفری» و «لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور» هستند که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در «لایحه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰» در تعداد زیادی از مواد، تصویب آیین‌نامه قضایی در صلاحیت هیئت‌وزیران قرار داده شده بود. برای مثال در تبصره ۳ ماده ۶۶ این قانون مقرر شده بود: «شرایط، نحوه ورود و اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می‌شود و پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد».

این مواد در نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ شورای نگهبان، از حیث مرجع تصویب با ایراد مواجه گردیدند و نظر شورا بر آن بود که مقام تصویب‌کننده این آیین‌نامه‌ها مطابق با اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی رئیس قوه قضائیه است. مجلس در اصلاحات خود نسبت اصلاح مرجع تصویب‌کننده این آیین‌نامه‌ها اقدام نمود و در متن مواد، عبارت «پس از تأیید رئیس قوه قضائیه به تصویب هیئت‌وزیران می‌رسد» را حذف و عبارت «به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد» را جایگزین آن نمود و لایحه را برای بار دوم به شورا ارسال کرد. در نهایت این لایحه در نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۴۹۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۶ مورد تأیید شورا قرار گرفت.

در لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور نیز در بند (ه) تبصره ماده ۱۶ مرجع تصویب آیین‌نامه قضایی، هیئت‌وزیران تعیین شده بود که در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ توسط شورا مورد بررسی قرار گرفت و واگذاری تصویب آیین‌نامه نسبت به امور قضایی به هیئت‌وزیران با ایراد شورا مواجه شد. مجلس نسبت به اصلاح تبصره و رفع ایراد اقدام کرد و در سطر آخر این بند عبارت «رئیس قوه قضائیه» جایگزین عبارت «هیئت‌وزیران» شد و مصوبه را به شورا ارسال کرد. شورا در نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۹۰۸ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ آن را بررسی و تأیید کرد.

با بررسی و مذاقه نظرات استدلالی شورا نسبت به بند (ه) تبصره ماده ۱۶ مبنی بر اینکه «سازمان زندان‌ها نیز از توابع قوه قضائیه محسوب می‌شود، لذا مطابق با اصول مذکور، تصویب آیین‌نامه‌های مرتبط با وظایف سازمان زندان‌ها، بر عهده رئیس قوه قضائیه است»، چنین برداشت می‌شود که صلاحیت رئیس قوه قضائیه نسبت به تصویب آیین‌نامه‌ها، توسط شورا به‌طور موسع تفسیر می‌شود و از یک‌سو شامل آیین‌نامه‌های اجرایی و قضایی می‌گردد و از سوی دیگر علاوه بر قوه قضائیه در معنای اخص (دادسراها و دادگاه‌های)، قوه قضائیه در معنای اعم (تمامی سازمان‌های زیرمجموعه قوه قضائیه) را نیز دربر می‌گیرد. علاوه بر آن، تتبع در نظرات شورا پیرامون لایحه آیین دادرسی کیفری مبرهن آن است که در نظرات شورا، صرف «تأیید» آیین‌نامه‌ها توسط رئیس قوه قضائیه کفایت نمی‌کند، بلکه صحت امر منوط به «تصویب» آنها توسط وی است و این از جمله دیگر بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه در نظرات شورا است.

^۱ در تأیید این تقسیم‌بندی از آیین‌نامه‌ها می‌توان به لحن خاص شورای نگهبان نیز استناد نمود. برای مثال شورا در مقام اظهارنظر نسبت به لایحه آیین دادرسی کیفری در نظر شماره ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ در خصوص تبصره ماده (۱۳۰) از عبارت «آیین‌نامه اجرایی» و درباره تبصره ماده ۲۰۲ از عبارت «آیین‌نامه قضایی» استفاده کرده است.

۱.۳. لزوم اصلاح و حذف آیین‌نامه‌ها توسط قوه قضائیه

چنان‌که بیان شد قانون اساسی در اصل ۱۵۸ یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه را «تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی» ایران تعیین کرده است و با بررسی نظرات شورای نگهبان مشخص شد که شورا تهیه یا تصویب هرگونه آیین‌نامه قضایی توسط نهادی غیر از قوه قضائیه را منافی با استقلال این قوه می‌داند. بنابراین هرچند که در اصل ۱۵۸ به «تهیه» آیین‌نامه اشاره نشده و صرفاً «تهیه لوایح قضایی» مورد تصریح قرار گرفته است؛ اما با توجه به نظر شورای نگهبان پراواضح است که پس از تهیه آیین‌نامه قضایی و تصویب آن، هرگونه تغییر یا نسخ آن نیز باید توسط قوه قضائیه صورت گیرد. این مهم به تأیید مفسر قانون اساسی رسیده و مبتنی بر نظر شورای نگهبان، هرگونه اصلاح یا نسخ آیین‌نامه قضایی نیز با قوه قضائیه است. توضیح اینکه، مجلس شورای اسلامی در بند جزء (۲-۶) ماده ۲ «طرح اصلاح مواد (۱) و (۷) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن» مصوب ۱۳۹۹ یکی از وظایف و اختیارات هیئت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار را «حذف یا اصلاح دستورالعمل‌ها، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و سایر مقررات اجرایی محل کسب‌وکار در جهت بهبود محیط کسب‌وکار» تعیین کرده بود.

شورای نگهبان در نظر شماره ۹۹/۱۰۲/۱۷۶۸۴ مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۳ بر این مصوبه ایراد کرد که تفویض تصمیم‌گیری به وزیر امور اقتصادی و دارایی در خصوص حذف و اصلاح آیین‌نامه‌های مصوب در غیر قوه مجریه [مانند قوه قضائیه] مغایر با قانون اساسی در خصوص استقلال قواست. پس از ایراد شورا، مجلس شورای اسلامی در اصلاحات، جزء مورد ایراد را حذف کرد و مصوبه در نظر شماره ۹۹/۱۰۲/۲۲۱۰۱ مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۵ مورد تأیید شورا قرار گرفت. بنابراین دامنه صیانت شورای نگهبان نسبت به آیین‌نامه‌های قضایی مبنی بر صلاحیت قوه قضائیه شامل مراحل سه‌گانه «تهیه»، «تصویب» و «اصلاح یا نسخ» این آیین‌نامه‌ها می‌شود و این مهم از جمله بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه در نظرات شورا است.

۲. ممنوعیت نظارت سایر قوا بر عملکرد قوه قضائیه

نظارت بر هر سیستم یا نهادی از ملزومات تضمین کارکرد صحیح آن است؛ نهادهای حاکمیتی نیز از این اصل مستثنا نیستند. در میان نهادهای حاکمیتی کشورمان، نظارت بر قوه قضائیه از اهمیت و بایستگی خاصی برخوردار است. چه، «نهاد قوه قضائیه و قضات بیش از نهادهای دیگر در معرض سوءاستفاده از سمت قضاوت قرار دارند؛ زیرا مرجع حل و فصل دعاوی و اختلاف است»^۱ و امکان اعمال نفوذ، تطمیع، تهدید و... برای آنها بیشتر است. از همین رو، باید نهایت تلاش را کرد تا مبادا دادرسان به‌عنوان ابزاری برای اهداف و مقاصد سیاسی درآیند.^۲ نظارت برون سازمانی یا نظارت خارجی برای قوه، مانند «نظارت مجلس»، «شوراهای عالی» یا «رئیس‌جمهور» در ارتباط با استقلال ساختاری محل بحث حاضر است که واکاوی آنها در نظرات شورای نگهبان مقصد نوشتار حاضر قرار می‌گیرد.

۲.۱. ممنوعیت نظارت مجلس

قانون‌گذار اساسی در اصل ۵۷ قانون اساسی اشعار می‌دارد: «قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه،

۱. فهیمی، محمدباقر و سیدابراهیم حسینی، «بررسی تطبیقی نقش قوه قضائیه در کشورهای اسلامی افغانستان، مصر، پاکستان و ایران»، مجله اندیشه‌های حقوق عمومی، دوره ۶، شماره ۲، ۱۳۹۶، ص ۸۶.

۲. لارکینز، کریستوفر، «تحلیل مفهومی و نظری رابطه استقلال قضایی و مردمی شدن»، ترجمه محمدحسین زارعی، نشریه راهبرد، دوره ۱۰، شماره ۳، ۱۳۸۱، ص ۲۲۳.

قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند».

بنابراین، طبق اصول مقرر در قانون اساسی، نهاد مستقل و برون‌سازمانی (به‌جز مواردی مانند نظارت رهبری، حق تحقیق و تفحص و کمیسیون اصل نود مجلس یا نظارت نهادی مانند دیوان محاسبات) برای نظارت بر عملکرد قوه قضائیه پیش‌بینی نشده است.^۱ لذا یکی از جنبه‌های استقلال قوا این است که امکان دخالت و نظارت هیچ‌کدام از قوای سه‌گانه در کار دیگری، به‌طور مستقیم و رأساً وجود ندارد و عملکرد هر یک به‌صورت جداگانه است.^۲ و مفهوم استقلال در درون خود مدلول عدم نظارت مجلس بر قوه قضائیه (جز در خصوص حق تحقیق و تفحص و نیز پاسخ‌گویی وزیر دادگستری درباره کلیه مسائل مربوط به قوه قضائیه)^۳ را نیز دربر دارد. در واقع در قانونی اساسی، سیستم تفکیک قوا در رابطه با تأثیرگذاری و نظارت بر قوه قضائیه یک نوع تفکیک سخت است و قوه قضائیه در برابر مجلس شورای اسلامی و قوه مجریه چندان پاسخ‌گو نیست.^۴ از این رو، تبصره ذیل جزء (۷ - ۱) ماده (۳) «طرح تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور» مصوب ۱۳۸۸ از این لحاظ مورد ایراد شورای نگهبان واقع شد. توضیح اینکه، مجلس در این تبصره مقرر کرده بود که کلیه دستگاه‌های حکومتی و عمومی تمام قوانین و مقررات مخصوص به خود را به‌طور جداگانه با رعایت مفاد این قانون تنقیح و به معاونت^۵ ارسال کنند و در مورد مصوبات آتی نیز تداوم بخشند. شورا در نظر شماره ۸۸/۳۰/۳۷۷۵۸ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ این تبصره را مغایر با اصول متعددی از جمله اصل ۱۵۶ قانون اساسی دانست.

مجلس نسبت به اصلاح این تبصره اقدام کرد و حکم مذکور در آن مبنی بر «کلیه دستگاه‌های حکومتی و عمومی تمام قوانین و مقررات مخصوص به خود را به‌طور جداگانه با رعایت مفاد این قانون تنقیح و به معاونت ارسال نمایند» را به «تمام دستگاه‌های حکومتی و عمومی موظفانند کلیه مقررات مصوب خود را تنقیح نموده و به‌طور مستمر ادامه دهند...» تغییر داد. با اعمال این تغییر شورا در نظر شماره ۸۹/۳۰/۳۸۷۸۰ مورخ ۱۳۸۹/۴/۳ این مصوبه را تأیید کرد. در واقع شورا الزام به تنقیح قوانین و مقررات و ارسال به معاونت (مجلس) را نوعی وضع تکلیف بر قوه قضائیه توسط مجلس دانسته و آن را ناقض استقلال قوه قضائیه و مغایر با قانون اساسی دانسته است و این از جمله دیگر بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه در نظرات شورای نگهبان است.

۲.۲. ممنوعیت نظارت شوراهای عالی

مصوبه دیگری که در آن بحث نظارت بر قوه قضائیه مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته است، «طرح تشکیل شورای عالی خانواده» مصوب ۱۳۸۳ است. مجلس در بند (د) این طرح، نظارت بر فعالیت‌های نهادهای مسئول در حوزه زنان و

۱. فهیمی و حسینی، پیشین، ص ۸۶.

۲. جعفری، اسماعیل و سیده لیلا هاشمی‌نژاد، «تأثیر تفکیک قوا بر عملکرد جمهوری اسلامی ایران: نقاط قوت و ضعف»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۱۴، ۱۳۹۵، ص ۱۳.

۳. ماده ۴ قانون نحوه اجرای اصل ۱۶۰ قانون اساسی مصوب ۱۳۹۴/۲/۲۲ در این خصوص مقرر می‌دارد: «وزیر دادگستری در قبال کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با سایر قوا و وظایف قانونی خود مانند سایر وزرا موظف است در برابر مجلس شورای اسلامی پاسخگو باشد. وزیر دادگستری موظف است به سؤالات نمایندگان مجلس در مورد مسائل مختلف مربوط به روابط قوه قضائیه با قوای دیگر پس از کسب اطلاع و با رعایت استقلال قضات، پاسخ دهد».

۴. امیری، محسن و محمدرضا ویژه، «اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۸، شماره ۳، ۱۳۹۳، ص ۱۰.

۵. مراد از معاونت در این تبصره، طبق ماده یک قانون مذکور، معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی که به‌اختصار معاونت نامیده می‌شود.

خانواده (اعم از دولتی و غیردولتی) را جزء وظایف شورای عالی خانواده قرار داده بود. شورا در نظر شماره ۸۷/۳۰/۲۷۲۴۱ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۳ این نظارت را در مواردی که شامل امور قضایی می‌شود، مخالف با اصل ۱۵۶ ق.ا. دانست. پس از ایراد شورا، این طرح دیگر به شورا ارجاع نشد.

از نوع ایراد شورا نسبت به این طرح، چنین برداشت می‌شود که مبتنی بر این نظر شورا، نظارت بر محاکم از جانب نهادی خارج از قوه قضائیه، پذیرفته نیست. به عبارت بهتر، از نوع ایراد شورا در این نظر چنین برداشت می‌شود که نظارت برون‌سازمانی نسبت به قوه قضائیه (به جز مواردی مانند نظارت‌های پیش‌بینی شده بر قوه قضائیه در قانون اساسی مانند نظارت مقام رهبری از طریق عزل و نصب رئیس قوه قضائیه، دیوان محاسبات و نظارت از طریق مجلس شورای اسلامی موضوع اصول ۱۷۶ و ۲۹۰) از دیدگاه شورا وجود ندارد. براینده کمی درنگ در بحث حاضر بر آن گواهی می‌دهد که اشکال نه در رویه شورا، بلکه در نحوه مهندسی ارتباط قوا در نظام تفکیک قوا و فقدان پیش‌بینی نظارت برون‌سازمانی قوی نسبت به این قوه است. هرچند که نظارت خارج از سازمان یا نظارت بیرونی در مواردی از ملزومات رعایت طی مسیر صحیح سازمان است؛ لکن حدود این مهم به دلیل اهمیت خاص ویژگی استقلال قوه قضائیه، مضیق ترسیم شده است.

۲.۳. ممنوعیت ورود رئیس‌جمهور به پرونده‌های قضایی

از فلسفه‌های مهم تفکیک قوه قضائیه از قوه مجریه، ممانعت از مداخله مقام‌های اجرایی در امر قضاوت است. این مهم به درجه‌ای از اهمیت است که «مصون نگاه‌داشتن قوه قضائیه از مداخلات قوه مجریه، از مهم‌ترین دغدغه‌های قانون‌گذار اساسی بوده است. بر همین اساس، قوه مجریه از ابزار کمتری (نسبت به قوه مقننه) در ارتباط با پاسخ‌خواهی از قوه قضائیه برخوردار است».^۳ بدین سبب، هرگونه مداخله مقامات قوه مجریه (بالأخص رئیس‌جمهور) در امر قضا، حساسیت اهل فن را برمی‌انگیزد و جواز انجام چنین مداخله‌ای توسط نهاد ناظر، نقض غرض است. به همین جهت لایحه «اصلاح مواد فصل دوم قانون تعیین حدود و وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست‌جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۵/۸/۲۲ مجلس شورای اسلامی» تحت عنوان «مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی» در نظر شماره ۸۲/۳۰/۲۹۴۴ مورخ ۱۳۸۲/۲/۱۷ با ایرادات شورای نگهبان مواجه شده است که در ادامه ذیل سه بند مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

(۱) در ماده یک این لایحه، این اختیار به رئیس‌جمهور داده می‌شد تا وظایف مربوط به نظارت، کسب اطلاعات، بازرسی، پیگیری و بررسی را از طریق هیئتی متشکل از افراد صاحب‌نظر در امور حقوقی و اجرایی به نام «هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» انجام دهد و کلیه دستگاه‌های حکومتی ملزم به همکاری با این هیئت بوده و علاوه بر پاسخ‌گویی باید کلیه مدارک و اسناد مورد تقاضا را در اختیار این هیئت قرار دهند.

از نظر شورا، اطلاق عبارت نظارت رئیس‌جمهور یا هیئت پیگیری بر کلیه دستگاه‌های حکومتی، درحالی که شمول عبارت «کلیه دستگاه‌های حکومتی» در مورد نهادهایی مانند قوه قضائیه که قانون اساسی به آن‌ها اختیار یا وظیفه‌ای داده است، نسبت به تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال این اختیار و مسئولیت، خلاف اصول مربوط در قانون اساسی است. به

۱. اصل ۷۶ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.»

۲. اصل ۹۰ قانون اساسی: «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.»

۳. تنگستانی، محمدقاسم، *استقلال و مسئولیت قوه قضائیه*، تهران: میزان، ۱۳۹۷، ص ۳۳۱.

عبارت بهتر، شورا معتقد است در هر مورد که قانون اساسی اختیار یا وظیفه‌ای به دستگاه‌های حکومتی مانند قوه قضائیه داده است، تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال این اختیار و چگونگی آن، با خود دستگاه مربوطه است و این یکی دیگر از بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه در نظرات شورای نگهبان است.

۲) در ماده دو، رئیس‌جمهور اختیار می‌یافت تا در صورت مشاهده عدم اجرای یکی از اصول قانون اساسی، ضمن دستور توقف تصمیمات و اقدامات انجام شده برخلاف قانون، مراتب را به اطلاع بالاترین مقام مسئول مربوطه در هر یک از قوا و نهادهای حکومتی برساند و علت توقف، نقض یا عدم اجرا را خواستار گردد؛ همچنین می‌توانست پرونده امر را برای تعقیب متخلف به مراجع صالح قضایی ارسال دارد.

از نظر شورا، صدور دستور توقف توسط رئیس‌جمهور در خصوص تصمیمات و اقداماتی، که مطابق قانون اساسی مسئول مشخص دارد، خلاف اصول متعدد از قانون اساسی است. همچنین به نظر شورا، اطلاق ظاهر این عبارت که رئیس‌جمهور «پرونده امر را برای تعقیب متخلف به مراجع صالح قضایی ارسال می‌دارد» نسبت به موردی که قاضی تشخیص تخلف ندهد، خلاف اصل ۱۵۶ قانون اساسی است. به روشن سخن، از دیدگاه شورا از جمله بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه این است که تشخیص تخلف با قاضی رسیدگی‌کننده است و نه رئیس‌جمهور.

۳) در تبصره یک ماده دو، اولاً، این حق به رئیس‌جمهور داده شده بود که اگر رأی قضایی را مغایر قانون اساسی تشخیص دهد نقض رأی مذکور را از دیوان عالی کشور درخواست کند و این درخواست موجب توقف اجرا و آثار و تبعات رأی تا پایان رسیدگی می‌شد. ثانیاً، قوه قضائیه و محاکم و قضات ملزم به رسیدگی، به‌صرف درخواست رئیس‌جمهور بودند. ثالثاً، در این تبصره مقرر شده بود هنگام رسیدگی هیئتی مرکب از سه حقوق‌دان به انتخاب مجلس شورای اسلامی و سه حقوق‌دان به انتخاب هیئت‌وزیران در جلسه حضور خواهند داشت و نظرات و توضیحات خود را به شعبه ارائه خواهند کرد.

شورا بر این تبصره ایراد کرد که چون مستفاد از اصول قانون اساسی این است که رسیدگی قضایی در تمام مراحل از ابتدا تا قطعیت حکم به عهده قوه قضائیه و محاکم دادگستری است، ورود رئیس‌جمهور در پرونده‌های قضایی و احکام صادره و الزام قوه قضائیه و محاکم و قضات به رسیدگی به‌صرف درخواست رئیس‌جمهور، دخالت در امر قضا و موجب اخلال در وظایف و اختیاراتی است که به نص قانون اساسی بر عهده این قوه نهاده شده است. راجع به حضور حقوق‌دانان منتخب مجلس و هیئت‌وزیران نیز شورا بر این باور است که الزام دادگاه به پذیرفتن حضور حقوق‌دانان شش‌گانه در دادگاه مستلزم دخالت قوه مقننه و مجریه در قوه قضائیه و تجاوز از حدود و اختیاراتشان در قانون اساسی و مخل استقلال ساختاری قوه قضائیه است.

درنهایت این لایحه برای بار دیگر به شورا ارسال نشد، اما در مقام سنجش نظرات شورا به نظر می‌رسد توسیع دامنه نظارت رئیس‌جمهور نسبت به کلیه دستگاه‌های حکومتی، ورود این مقام در رسیدگی‌های قضایی یا تعیین نماینده سایر قوا در جلسات دادگاه چندان با منطق و مفهوم استقلال قوه قضائیه سازگاری ندارد.

۳. مختصات ارتباط قوه قضائیه با وزارت دادگستری

همان‌طور که اشاره شد، قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل. «استقلال قوه قضائیه ایجاب می‌کند که اداره امور مربوط به نیازمندی‌های خود را بر عهده داشته باشد. اما امور مذکور آن‌چنان وسیع و گسترده است که می‌تواند امور قضایی را به نحو مؤثر تحت‌الشعاع قرار داده و اختلالاتی را به وجود آورد»^۱ چه، «به‌موجب اصل‌های ۱۵۷، ۱۵۸ و ۱۶۰ قانون اساسی،

^۱ تنگستانی، پیشین، ص ۳۳۱.

انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در امور اجرایی، اداری و استخدامی و به‌عبارت دیگر، اداره و مدیریت امور قوه قضائیه با رئیس قوه قضائیه است^۱ و این حجم وسیع از مسئولیت‌ها و وظایف نقصان در عملکرد صحیح را محتمل می‌کند. از این رو، قانون‌گذار اساسی در بازنگری قانون اساسی به‌منظور کم‌کردن از بار مسئولیت این امکان را پیش‌بینی کرد که رئیس قوه قضائیه بتواند مسئولیت‌های اداری، مالی و استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری واگذار کند. در ادامه قانون نحوه اجرای قسمتی از اصل یکصد و شصت قانون اساسی در سال ۱۳۹۴ به تصویب رسید و مختصات وظایف و مسئولیت‌های وزیر دادگستری و ارتباط آن با سایر قوا را تا حدودی ترسیم کرد. در ماده دو این قانون وظایف مانند ارائه لوایح قضایی به دولت و دفاع از این لوایح در مجلس، همکاری برای تحقیق و تفحص مجلس در رابطه با امور مربوط به قوه قضائیه و همکاری در امور بین‌الملل از جمله قرارداد معاضدت قضایی و استرداد مجرمین بر عهده وزیر دادگستری نهاده شد. به تعبیری می‌توان صلاحیت‌های وزیر دادگستری را به صلاحیت‌های وزارتی که ناشی از عضویت در قوه مجریه است و صلاحیت‌های مرتبط با قوه قضائیه تقسیم کرد. بر همین اساس است که نصب وزیر دادگستری دایر مدار مشارکت رؤسای دو قوه قضائیه و مجریه و مجلس شورای اسلامی است.^۲ اما تنظیم مرز بین همکاری و همیاری و نقض استقلال در این رابطه دوجانبه، امری بس دشوار و نیازمند دقت نظر جزیل و سنجیدگی کثیر است. بر این اساس، نقش شورای نگهبان در تنسيق این رابطه در خلال تأیید و تفسیر مصوبات حائز اهمیت شایگانی است. در ادامه تبیین رابطه قوه قضائیه و وزارت دادگستری در آیین نظرات شورای نگهبان و تعیین بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه از این منظر را پی می‌گیریم.

۳.۱. استقلال قوه قضائیه نسبت به وزارت دادگستری

قبل از اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ وزیر دادگستری نسبت به مسئولیت‌های قوه قضائیه مسئولیتی بر عهده نداشت و حدود وظایف وی در این خصوص صرفاً مرتبط با لوایح قضایی بود.^۳ اصل یکصد و شصت سابق^۴ نیز در خصوص حیطه وظایف وزیر دادگستری صرفاً به «مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه» اشاره می‌کرد. در خصوص اداره کارگزینی، اداره خدمات، اداره امور مالی، اداره روزنامه رسمی، اداره پزشکی قانونی، سازمان ثبت اسناد و املاک و نظایر این‌ها، در سال ۱۳۵۹ برای شورای عالی قضایی سابق این سؤال مطرح بود که: «آیا مسئولیت اداره آنها با وزیر دادگستری است که عضو قوه مجریه است یا با شورای عالی قضایی که مستقل از قوه مجریه است؟».

شورای نگهبان در نظر شماره ۴۲۱ مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۱ اظهار کرد: «وظیفه وزیر دادگستری برقراری رابطه بین قوه قضائیه با قوه مجریه و مقننه است و عهده‌دار مسئولیت این وظیفه و وظایف مشترک با هیئت‌وزیران است و در امور تشکیلاتی دادگستری مانند: اداره امور مالی، کارگزینی، خدمات و پزشکی قانونی، وظیفه و مسئولیتی ندارد و این امور به‌عهده شورای عالی قضایی است».

باتوجه به مفاد استعلام فوق‌الذکر، دلایل عدم صلاحیت و مسئولیت وزیر دادگستری نسبت امور تشکیلاتی دادگستری عبارت‌اند از:

یکم، استقلال ساختاری قوه قضائیه ایجاب می‌کند که اداره امور مربوط به کلیه نیازمندی‌های آن نیز به دست همین قوه

۱. عباسی لاهیجی، حسن، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر، ۱۳۹۷، ص ۳۱۰.

۲. گرجی ازندریانی و مهاجری، پیشین، ص ۱۱۵.

۳. عمید زنجانی، عباسعلی، *کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجد، ۱۳۸۷، ص ۳۲۰.

۴. اصل ۱۶۰ ق.ا. قبل از بازنگری سال ۱۳۶۸: «وزیر دادگستری مسئولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضائی به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد».

باشد. هر چند وظیفه اصلی قوه قضائیه رسیدگی به دعاوی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و نظایر این‌هاست، ولی اموری که در خصوص تأمین نیازهای این دادگاه‌ها است، باید مستقل از قوه مجریه و در اختیار شورای عالی قضایی، که مسئول قوه قضائیه است، باشد.

دوم، در اصل یکصد و شصتم [سابق] وظیفه وزیر دادگستری صریحاً رابط میان قوه قضائیه و قوه مجریه و قوه مقننه است و مفاد آن این است که در اداره امور داخلی این قوه دخالت و مسئولیتی ندارد و کار او نظیر کاری است که در گذشته معاون پارلمانی وزارت دادگستری انجام می‌داده است.

سوم، شمول بند (۳) اصل ۱۵۸ ق.ا. است که یکی از وظایف رئیس قوه قضائیه را امور اداری و استخدامی مبنی بر استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آنان می‌داند.

هر چند که استدلال‌ها و دلایل فوق مقرون به صحت است، همان‌طور که بیان شد، گذر زمان و اقتضات عملی باعث تغییر اصل ۱۶۰ قانون اساسی شد و در حال حاضر رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیار تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری واگذار کند و این واگذاری منافی با استقلال ساختاری قوه قضائیه نیست. شایان ذکر است، در خصوص نهادهایی مانند پزشکی قانونی و سازمان ثبت اسناد و املاک می‌توان نظر شورا را مورد نقد قرار داد؛ چراکه نه در وظایف قوه قضائیه و نه در وظایف رئیس قوه قضائیه که در قانون اساسی مورد تصریح قرار گرفته نمی‌توان موردی را یافت که اینها را دربر گیرد.^۱

در این خصوص استفسار دیگری در سال ۱۳۷۸ توسط رئیس قوه قضائیه از شورای نگهبان مطرح شد؛ مبنی بر اینکه در صورتی که وزیر دادگستری بخواهد تشکیلاتی برای وزارت دادگستری ایجاد کند، این تشکیلات زیر نظر قوه قضائیه و با استفاده از اعتبارات اداری مالی این قوه ایجاد می‌شود یا جزء تشکیلاتی قوه مجریه محسوب شده و نیازی به تصویب و تأیید رئیس قوه قضائیه ندارد؟ شورای نگهبان در نظر تفسیری شماره ۷۸/۲۱/۵۵۱۵ مورخ ۱۳۷۸/۸/۲ اظهار کرد که آنچه مربوط به وظایف وزیر دادگستری مذکور در اصل ۱۶۰ قانون اساسی است، مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی خواهد بود. این تشکیلات باید به تصویب رئیس قوه قضائیه برسد و اعتبارات آن باید از طرف قوه قضائیه تأمین شود و آنچه مربوط به وظایف وزارتی وزیر دادگستری و نیز وظایفی است که هیئت دولت به‌عهده وی واگذار کرده، مشمول اصل ۱۵۸ قانون اساسی نیست و تشکیلات آن باید به تصویب دولت برسد.

اما آن روی سکه استقلال قوه قضائیه نسبت به وزارت دادگستری، استقلال و عدم مسئولیت وزیر دادگستری نسبت به قوه قضائیه است. این جنبه از استقلال وزیر دادگستری تا بدان جا بود که از نظر شورای نگهبان این مقام وظیفه‌ای نسبت به پاسخ‌گویی به سؤالات نمایندگان راجع به وظایف قوه قضائیه نخواهد داشت. توضیح آنکه، رئیس مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ از شورای نگهبان استفسار می‌کند که مسئولیت وزیر دادگستری نسبت به سؤالات نمایندگان مجلس شورای اسلامی که طبق اصل ۸۸ ق.ا. از عملکرد دادگاه‌ها و مسئولان قضایی کشور و امور مربوط به شورای قضایی مطرح می‌شود چیست؟

شورا در پاسخ به این استفسار به نظر شماره ۹۰۷۵ مورخ ۱۳۶۲/۴/۱۶ اظهار می‌دارد، مسئولیت وزیر دادگستری نسبت به پاسخ‌گویی به سؤال نمایندگان در حدود اصل ۱۶۰ ق.ا. اساسی است و در رابطه با مسئولیت‌های قوه قضائیه وزیر دادگستری مسئول پاسخ‌گویی نخواهد بود. بنابراین همان‌طور که وزیر دادگستری قبل از بازنگری در قانون اساسی، نسبت به وظایف قوه قضائیه اختیاری نداشت، مسئولیتی نیز (حتی در حد پاسخ‌گویی به سؤالات) نخواهد داشت.

^۱ گرجی از ندریانی و مهاجری، پیشین، ص ۱۲۲.

۳.۲. تجهیز و تأمین تشکیلات قضایی

مسئله دیگری که در خصوص حدود وظایف و اختیارات وزارت دادگستری مطرح شده است، بحث «اصلاح، تجهیز و تأمین تشکیلات قضایی» است. در واقع انجام وظایف قوه قضائیه از طریق سازمان‌های تخصصی درونی این قوه و از طریق تقسیم کار محقق می‌شود؛ سازماندهی، تجهیز و تأمین این تشکیلات نیز از جمله لوازم مدیریتی مربوط به اداره این نهادها محسوب می‌شود و موضوع مبحث حاضر است.^۱ توضیح اینکه مجلس در قسمت (۲۳) ماده ۳ «لایحه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین» مصوب ۱۳۷۳، قسمتی از درآمد عمومی را در اختیار وزارت دادگستری قرار می‌داد تا منحصراً به منظور تأمین کسری هزینه‌های جاری و احداث، خرید، تجهیز و تعمیر ساختمان‌های دادگستری و ایجاد و توسعه تشکیلات قضایی، هزینه کند.

شورا در نظر شماره ۷۶۲۳ مورخ ۱۳۷۳/۱۲/۲۱ ایراد کرد که «وزارت دادگستری» باید به «قوه قضائیه» اصلاح شود. مجلس نسبت به رفع ایراد شورا اقدام کرد و با حذف کلمه «وزارت»، تکلیف و اختیار را به دادگستری بار کرد. پس از اعمال این اصلاح، شورا در نظر شماره ۱۱۱ مورخ ۱۳۷۴/۱/۱۶ لایحه مذکور را تأیید کرد. در مقام برآورد نظر شورا، باید ابراز کرد که اداره امور مالی قوه قضائیه بالاصاله با رئیس قوه قضائیه است^۲ و اصل ۱۶۰ قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد که رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی را به وزیر دادگستری تفویض کند. نتیجه آنکه:

اولاً، اداره امور مالی قوه قضائیه بالاصاله با رئیس قوه قضائیه است.

ثانیاً، اختیارات مالی وزیر دادگستری منوط به تفویض رئیس قوه قضائیه است.

ثالثاً، رئیس قوه قضائیه در تفویض وظایف از اختیار تام برخوردار است و می‌تواند وظایف را تفویض نکرده و شخصاً نسبت به انجام آنها مبادرت کند.

رابعاً، باتوجه به مقدمات فوق، قانون‌گذار در مقام تقنین باید وظایف قابل تفویض در اصل ۱۶۰ را برعهده رئیس قوه قضائیه قرار دهد و نه وزیر دادگستری. به بهتر سخن، یکی دیگر از بایسته‌های استقلال ساختاری قوه قضائیه این است که تشخیص و اختیار تفویض وظایف با رئیس قوه قضائیه است و نه قانون‌گذار.^۳

۴. رابطه نهادهای زیر مجموعه قوه قضائیه با سایر قوا

گاه در خصوص حیطه وظایف و اختیارات نهادهای زیرمجموعه قوه قضائیه (مانند سازمان بازرسی کل کشور) و بسط مفهوم «استقلال» این قوه نسبت به این نهادهای زیرمجموعه، ابهاماتی پیش می‌آید. به دیگر سخن، آیا اطلاق مفهوم استقلال ساختاری قوه قضائیه شامل تمامی نهادها و سازمان‌های زیرمجموعه این قوه نیز می‌شود؟ پاسخ شورای نگهبان در ظاهر مثبت است که در ادامه در خلال بررسی نظرات شورا آشکار می‌شود.

^۱ تنگستانی، محمدقاسم، «حدود و لوازم اختیارات رئیس قوه قضائیه در ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه حقوقی/ادری، دوره ۶، شماره ۱۹، ۱۳۹۸، ص ۵۵.

^۲ عباسی لاهیجی، پیشین، ص ۳۱۵.

^۳ شورای نگهبان در رابطه با استقلال قوه قضائیه از وزارت دادگستری و حدود اختیارات و وظایف وزیر دادگستری اظهارنظرهای مشابهی در موضوعات مختلف داشته است از جمله:

۱- طرح گذرانیدن مدت خدمت وظیفه فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم قضایی در محاکم قضایی کشور مصوب ۱۳۷۳.

۲- لایحه نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴.

۴.۱. سازمان بازرسی کل کشور

سازمان بازرسی کل کشور از جمله تشکیلات غیرقضایی است که از نظر ساختاری زیرمجموعه قوه قضائیه قرار می‌گیرد.^۱ قانون‌گذار اساسی در اصل ۱۷۴ قانون اساسی مقرر می‌دارد: «براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند». براساس این اصل، «سازمان بازرسی کل کشور تحت نظر قوه قضائیه مسئولیت نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری کشور را بر عهده دارد و به‌عنوان یک دستگاه ضدفساد و حافظ حقوق شهروندی و تضمین‌کننده سلامت حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی و اصلاح‌اقتدار آنها محسوب می‌شود».^۲ اما آیا اینکه این سازمان زیرمجموعه قوه قضائیه است مانع پاسخ‌گویی آن به مجلس خواهد بود؟ یافتن پاسخ این سؤال در پرتو نظرات شورای نگهبان غایت این مبحث از پژوهش حاضر است.

مجلس در برخی از مواد «طرح اصلاح موادی از قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۶۰ و اصلاحیه آن مصوب ۱۳۷۵» سازمان بازرسی کل کشور را موظف به ارسال گزارش به مجلس می‌کرد که این مورد و برخی نکات دیگر در این قانون با ایراد شورای نگهبان مواجه شد. توضیح اینکه، مجلس در بند (۴) ماده (۲) این قانون، مقرر کرده بود: «سازمان بازرسی کل کشور موظف است فهرست و نتیجه گزارش‌های خود را به‌صورت ماهیانه به مجلس شورای اسلامی ارسال نماید». همچنین در پاراگراف دوم بند (د) ماده (۲)، مقرر می‌داشت که در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام وقوع جرمی است رئیس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی می‌توانند حسب مورد نماینده‌ای برای شرکت و دفاع از گزارش در جلسات رسیدگی معرفی یا با تقدیم لایحه، موضوع را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری نمایند. در آخر مجلس مترصد الحاق یک تبصره به ماده ۱۰ این قانون بود با این مضمون که: «عدم اجرای پیشنهادها سازمان بدون عذر موجه با تشخیص رئیس سازمان، مشمول مجازات ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) خواهد بود».

شورا در نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۵۱۰۶ مورخ ۱۳۸۶/۱۱/۲۴ موارد فوق‌الذکر، یعنی ۱- موظف شدن سازمان بازرسی به ارسال گزارش به مجلس، ۲- تفویض اختیار به رئیس سازمان جهت شرکت و دفاع از گزارش در جلسات رسیدگی و تقدیم لایحه، ۳- جرم بودن عدم اجرای پیشنهادها سازمان بدون عذر موجه با تشخیص رئیس سازمان را مغایر با برخی اصول قانون اساسی از جمله اصل ۱۵۶ دانست. با ایراد شورا نسبت به موارد فوق، مجلس نسبت به اصلاح این موارد به این تفصیل اقدام کرد:

- ۱- پاراگراف آخر ذیل ردیف (۴) ماده (۲) مبنی بر «موظف شدن سازمان به ارسال گزارش به مجلس» را حذف کرد.
- ۲- پاراگراف آخر بند (د) ذیل ردیف (۵) ماده (۲) به این شرح زیر اصلاح شد که منطوق «تفویض اختیار به رئیس سازمان جهت شرکت و دفاع از گزارش در جلسات رسیدگی و تقدیم لایحه» به «رئیس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی یک نسخه از گزارش را با دلایل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به مرجع صالح قضایی ارسال و موضوع را تا حصول نتیجه نهایی پیگیری نمایند» تغییر یافت؛ بنابراین، شرکت در جلسه و دفاع از گزارش و تقدیم لایحه به «پیگیری موضوع» تغییر یافت.
- ۳- تبصره ماده (۱۰) اصلاحی موضوع ماده (۸) به این شرح اصلاح شد که: «عدم اجرای پیشنهادها سازمان بدون عذر

^۱ جمعی از نویسندگان، پیشین، ص ۳۳۱.

^۲ فلاح‌زاده، علی‌محمد و زهرا زارعی، «بررسی تطبیقی سازمان بازرسی کل کشور و نهاد آمبودمان»، فصلنامه حقوق اداری، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷.

موجه با اعلام رئیس سازمان و تشخیص مرجع قضایی صالح، مشمول مجازات ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) خواهد بود». در واقع مطابق با اصلاحات به عمل آمده، برای جرم محسوب شدن عمل، رئیس سازمان فقط موضوع را «اعلام» می‌دارد و «تشخیص» جرم بودن با مرجع قضایی صالح خواهد بود.

در نهایت شورا در نظر شماره: ۲۷۸۱۸ / ۳۰ / ۸۷ مورخ ۲۵ / ۴ / ۱۳۸۷ مصوبه مجلس را تأیید کرد. در مقام بررسی نظرات شورا، تفکیک ایرادات و تحلیل هریک به‌طور جداگانه بایسته است.

در خصوص «موظف شدن سازمان بازرسی به ارسال گزارش ماهیانه به مجلس» به نظر می‌رسد مبنای نظر شورا به این شرح است که:

اولاً: با عنایت به اینکه سازمان بازرسی کل کشور، بازوی نظارتی قوه قضائیه است (کما اینکه به موجب اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی، دیوان محاسبات، بازوی نظارتی قوه مقننه است)؛ علی‌هذا تکلیف سازمان به ارسال گزارش ماهانه، خلاف اصل تفکیک قوا و استقلال ساختاری قوه قضائیه و مغایر با اصول ۵۷، ۱۵۶ و ۱۷۴ قانون اساسی است.

ثانیاً: بدیهی است اغلب یا تمامی گزارش‌هایی که سازمان بازرسی کل کشور راجع به دستگاه‌ها تهیه می‌نماید، از حیث اینکه گزارش، متضمن جرم و تخلف باشند یا نباشند، هنوز غیرقطعی است و نیازمند رسیدگی‌های قضایی است، مضافاً اینکه برخی از گزارش‌ها متضمن امور محرمانه، سری و فوق‌سری است که انعکاس آن نیازمند کسب مجوز قانونی از ریاست قوه قضائیه است، علی‌هذا تکلیف سازمان بازرسی کل کشور به ارسال تمامی گزارش‌ها به مجلس، ضمن اینکه این تکلیف مغایر با اصل تفکیک قوا و استقلال ساختاری قوه قضائیه است، مغایر با حفظ حقوق و حرمت دیگران (اشخاص حقیقی و حقوقی) نیز است.

پیرامون «تفویض اختیار به رئیس سازمان جهت شرکت و دفاع از گزارش در جلسات رسیدگی و تقدیم لایحه» نیز باید بیان داشت که مطابق با اصل ۱۷۴ قانون اساسی سازمان بازرسی کل کشور زیر نظر رئیس قوه قضائیه است و وظیفه این سازمان در چهارچوب نظارت نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری است؛ بنابراین، اولاً، این سازمان نمی‌تواند در جایگاه شاکی در رسیدگی قضایی حضور یابد و لایحه دهد و...؛ ثانیاً، پیگیری جرائم از حیث جنبه عمومی برعهده دادستان است و نه سازمان بازرسی و نه سایر سازمان‌ها، وظیفه و اختیار مشابهی ندارند؛ ثالثاً، نمی‌توان خارج از محدوده وظیفه مقرر در قانون اساسی، وظیفه و اختیاری برای این سازمان قائل شد.

اما قابل تأمل‌ترین قسمت از بحث حاضر، «جرم بودن عدم اجراء پیشنهادهای سازمان بدون عذر موجه با تشخیص رئیس سازمان» است که آشکارا در تضاد با اصل قانونی بودن جرم و اصل ۳۶ قانون اساسی^۱ و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی^۲ است. به موجب اصل قانونی بودن جرائم هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قانون آن را جرم بداند.^۳ بنابراین معیار جرم بودن عمل «قانون» است و نه تشخیص افراد.

۴.۲. کارگزاران و مستخدمین

«استقلال قوه قضائیه» و «اختیار تام مالی و اداری رئیس قوه قضائیه» به صراحت در قانون اساسی مورد اشاره قرار گرفته است؛ اما گستره این مفاهیم تا چه اندازه است و مرز توقف آن‌ها کجاست؟ پاسخ به این سؤال و تعیین این بایسته استقلال

۱. اصل ۳۶ قانون اساسی: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۲. ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود.

۳. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۱، ص ۴۷.

ساختاری قوه قضائیه بسی دشوار است تا آنجا که شورای نگهبان در مقام پاسخ به استفساریه رئیس قوه قضائیه [وقت] در خصوص اصل یکصد و پنجاه و ششم راجع به اینکه: «آیا قوه قضائیه می‌تواند رأساً و بالاستقلال کارگزاران گزینش در امور استخدامی غیر قضایی را منصوب سازد؟» به نظر تفسیری و در نتیجه تعیین بایسته نرسیده است. توضیح اینکه، در این استفساریه تقریر شده که باتوجه به اینکه اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات (اصل ۱۶۰) و همچنین انجام کلیه مسئولیت‌های اداری و اجرایی، برای رئیس قوه قضائیه (اصل ۱۵۷)، در قانون اساسی تصریح گردیده است و اجرای وظایف گسترده مذکور مستلزم استخدام کارکنان اداری متناسب با ایجاد تشکیلات لازم و انجام مسئولیت‌های مقرر در قانون اساسی و قوانین عادی است و از لوازم و مقدمات استخدام مزبور گزینش است، حال با توجه به استقلال مذکور در اصل ۱۵۶ برای قوه قضائیه، آیا این قوه می‌تواند رأساً و بالاستقلال کارگزاران گزینش در امور استخدامی غیرقضایی را منصوب سازد؟

شورا در نظر شماره ۸۰/۲۱/۱۶۰۴ مورخ ۱۳۸۰/۳/۳۱ اظهار می‌دارد که شورا موضوع را مطرح و مورد بررسی قرار داده، لکن به نظر تفسیری نرسیده است و بایسته این بُعد از استقلال ساختاری قوه قضائیه در نظرات شورا مسکوت مانده است. لکن به نظر می‌رسد مفهوم استقلال ساختاری، سوای از بحث استخدام کارگزاران گزینش است و قوه قضائیه در این مورد تابع قوانین و مراجع استخدامی عام کشور است.

نتیجه‌گیری

قانون اساسی در اصل ۵۷ قوای حاکم را «مستقل از یکدیگر» می‌داند و در اصل ۱۵۶ این قانون در مقام توصیف قوه قضائیه به‌طور اخص، اشعار می‌دارد «قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل...» و مستند به این اصول است که «استقلال ساختاری قوه قضائیه» مورد اهتمام ویژه قوه مؤسس قرار گرفته است. وظیفه تفسیر این اصول و ترسیم حدود استقلال ساختاری قوه قضائیه برعهده شورای نگهبان به‌عنوان مفسر و پاسبان قانون اساسی قرار دارد. شورای نگهبان در مقام انجام وظیفه خود مبنی بر تطبیق مصوبات با قانون اساسی، نظرات و دیدگاه‌هایی در خصوص ماهیت استقلال ساختاری قوه قضائیه ابراز کرده است که مبین صلاحیت انحصاری قوه قضائیه در پیشنهاد لایحه قضایی، تهیه، تصویب، اصلاح یا نسخ آیین‌نامه‌های اجرایی و قضایی توسط این قوه است.

نظرات دیگر شورای نگهبان حاکی از عدم نظارت مجلس (به‌جز مواردی مانند تحقیق و تفحص و سؤال از وزیر دادگستری و کمیسیون اصل نود مجلس) و شوراهای عالی (مانند شورای عالی خانواده) بر قوه قضائیه است و افزون بر آن اشخاص عالی قوه مجریه (رئیس‌جمهور) نیز حق مداخله در قوه قضائیه را ندارند و در هر مورد که قانون اساسی اختیار یا وظیفه‌ای به قوه قضائیه داده است، تشخیص، برداشت، نوع و کیفیت اعمال این اختیار و چگونگی آن، با خود قوه قضائیه است.

ترسیم رابطه قوه قضائیه با وزارت دادگستری در نظرات شورا مبرهن آن است که وزیر دادگستری همچون پل ارتباطی میان قوه قضائیه با قوای مقننه و مجریه است و نسبت به امور تشکیلاتی دادگستری (مگر به تفویض رئیس قوه قضائیه) مسئولیت و اختیاری ندارد. بنابراین اموری همچون «تجهیز و تأمین تشکیلات قضایی» با قوه قضائیه است و نه وزارت دادگستری. در پایان اینکه، از منظر شورای نگهبان اطلاق مفهوم استقلال ساختاری قوه قضائیه شامل تمامی نهادها و سازمان‌های زیرمجموعه این قوه نیز می‌شود.

منابع

کتاب

۱. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۳، تهران: میزان، ۱۳۹۵.
۲. اصغری، محمدرضا، خلف رضایی، حسین، راجی، و سید محمد هادی، *شرح قانون اساسی: فصل ششم قوه مقننه*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶.
۳. بهادری جهرمی، علی و دیگران، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان و پژوهشکده عدالت، ۱۴۰۰.
۴. تنگستانی، محمدقاسم، *استقلال و مسئولیت قوه قضائیه*، تهران: میزان، ۱۳۹۷.
۵. جمعی از نویسندگان، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان و پژوهشکده عدالت، ۱۴۰۰.
۶. جنیدی، لیا و بیژن عباسی، *میثاق ملی: مجموعه مقالات به مناسبت بزرگداشت روز قانون اساسی*، تهران: معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۴۰۰.
۷. خالقی، علی، *نکته در آیین دادرسی کیفری*، تهران: شهر دانش، چاپ دهم، ۱۳۹۶.
۸. خسروی، حسن، *حقوق اساسی ۲*، تهران: دانشگاه پیام نور، چاپ نهم، ۱۳۹۴.
۹. راسخ، محمد، ریحانه کوشش کار و فائزه عامری، *وضع مقرر در قوه قضائیه*، تهران: دراک، ۱۳۹۴.
۱۰. ره‌پیک، حسن، *مقدمه علم حقوق*، تهران: خرسندی، ۱۳۹۴.
۱۱. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اداری*، تهران: سمت، ۱۳۹۵.
۱۲. عباسی لاهیجی، حسن، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر، ۱۳۹۷.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی، *کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مجد، ۱۳۸۷.
۱۴. فتحی، محمد، کاظم کوهی اصفهانی و دیگران، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۸.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، *فلسفه حقوق*، جلد ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۵.
۱۷. گرجی ازندریانی، علی اکبر و محمد مهاجری، *نقد رویه‌های شورای نگهبان*، تهران: جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۸.
۱۸. مجیدی، محمدرضا، *آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹.
۱۹. موسی‌زاده، رضا، *حقوق اداری ۱ و ۲ (کلیات و ایران)*، تهران: میزان، ۱۳۹۶.
۲۰. مهرپور، حسین، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۲۱. ناجی‌زواره، مرتضی، *دادرسی بی طرفانه در امور کیفری*، تهران: شهردانش، ۱۳۸۹.
۲۲. نوربها، رضا، *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران: گنج دانش، ۱۳۹۱.
۲۳. وکیل، امیر ساعد و پوریا عسکری، *قانون اساسی در نظم حقوق کنونی*، تهران: مجد، ۱۳۸۸.
۲۴. هاشمی، محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۲، تهران: میزان، ۱۳۹۸.

مقاله

۲۵. امیری، محسن و محمدرضا ویژه، «اصول بنیادین ناظر بر تضمین استقلال قضایی در نظام حقوقی ایران با نگاهی به حقوق فرانسه»، *مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۱۸، شماره ۳، ۱۳۹۳، صص ۲۶-۱.

۲۶. تنگستانی، محمدقاسم، «حدود و لوازم اختیارات رئیس قوه قضائیه در ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری در نظام حقوقی ایران»، *فصلنامه حقوق اداری*، دوره ۶ شماره ۱۹، ۱۳۹۸، صص ۷۸-۵۳.
۲۷. جعفری، اسماعیل و سیده لیلا هاشمی نژاد، «تأثیر تفکیک قوا بر عملکرد جمهوری اسلامی ایران: نقاط قوت و ضعف»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره ۲، شماره ۱۴، ۱۳۹۵، صص ۴۱-۲۱.
۲۸. زمانی، امین‌اله، محمدحسین باقری‌خوزانی، «صلاحیت رئیس قوه قضائیه در ارسال لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۲، شماره ۱۰۳، ۱۳۹۷، صص ۵۰-۳۳.
۲۹. سوادکوهی فر، سام، «بحثی پیرامون قدرت اجرایی آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های قوه قضائیه در مقایسه با آیین‌نامه‌ها و مصوبات قوه مجریه»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۶۵ شماره ۳۵، ۱۳۸۰، صص ۵۴-۴۱.
۳۰. فلاح‌زاده، علی محمد و زهرا زارعی، «بررسی تطبیقی سازمان بازرسی کل کشور و نهاد آموذمان»، *فصلنامه حقوق اداری*، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۲، صص ۱۵۸-۱۲۷.
۳۱. فهیمی، محمدباقر و سیدابراهیم حسینی، «بررسی تطبیقی نقش قوه قضائیه در کشورهای اسلامی افغانستان، مصر، پاکستان و ایران»، *مجله اندیشه‌های حقوق عمومی*، دوره ۶ شماره ۲، ۱۳۹۶، صص ۹۵-۷۵.
۳۲. کاشانی، جواد، «مفهوم لایحه قضایی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، دوره ۱۸، شماره ۵۳، ۱۳۹۵، صص ۲۷-۹.
۳۳. لارکینز، کریستوفر، «تحلیل مفهومی و نظری رابطه استقلال قضایی و مردمی شدن»، ترجمه محمدحسین زارعی، *نشریه راهبردی*، دوره ۱۰، شماره ۳، ۱۳۸۱، صص ۲۴۱-۲۱۷.
۳۴. الهام، غلامحسین و محمدامین ابریشمی‌راد، «نقد نظر شورای نگهبان در خصوص امکان ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس»، *فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی*، دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۳۹۳، صص ۷۷-۵۵.

وبسایت

۳۵. سامانه جامع نظرات شورای نگهبان قابل دسترس در: <http://nazarat.shora-rc.ir/>

References

Books

1. A Group of Authors, *Constitutional law of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Guardian Council and Echo of Justice Research Institute, 2021. (in Persian)
2. Abbasi Lahiji, Hassan, *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Dadgostar, 2018. (in Persian)
3. Amid Zanjani, Abbas Ali, *Generalities of the Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Majd, 2008. (in Persian)
4. Ardebili, Mohammad Ali, *General Criminal Law*, Volume 3, Tehran: Mizan, 2016. (in Persian)
5. Asghari, MohammadReza, Khalaf Rezaei, Hossein, Raji and Sayyed Mohammad Hadi, *Explanation of the Constitution; Chapter Six: Legislative Power*, Tehran: Guardian Council Research Institute, 2017. (in Persian)
6. Bahadori Jahromi, Ali et al. *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Guardian Council and Echo of Justice Research Institute, 2021. (in Persian)
7. Fathi, Mohammad, Kazem Kouhi Esfahani et al. *The Constitution of the Islamic Republic of Iran with the Interpretative Opinions of the Guardian Council*, Tehran: Guardian Council Research Institute, 2019. (in Persian)
8. Gorji Azandriani, Ali Akbar and Mohammad Mohajeri, *Critique of the Procedures of the Guardian Council*, Tehran: Jungle, First Edition, 2019. (in Persian)
9. Hashemi, Mohammad, *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*, Volume 2, Tehran: Mizan, 2019. (in Persian)

10. Jonaydi, La'ya and Bijan Abbasi, *National Covenant: A Collection of Articles on the Occasion of Commemorating Constitution Day*, Tehran: Legal Assistant of the President, 2021. (in Persian)
11. Katouzian, Nasser, *Introduction to Law and Study of the Iranian Legal System*, Tehran: Sahami Publishing Company, 2016. (in Persian)
12. Katouzian, Nasser, *Philosophy of Law*, Volume 2, Tehran: Sahami Publishing Company, 2016. (in Persian)
13. Khaleghi, Ali, *A Point in Criminal Procedure*, Tehran: Shahr-e-Danesh, Tenth Edition, 2017. (in Persian)
14. Khosravi, Hassan, *Constitutional Law 2*, Tehran: Payam Noor University, Ninth Edition, 2015. (in Persian)
15. Majidi, Mohammad Reza, *Introduction to the Constitution of the Islamic Republic of Iran*, Qom: The Supreme Leader's Representative Institution in Universities: Ma'aref Publishing House, 2010. (in Persian)
16. Mehr-Pour, Hossein, *Constitutional Law of the Islamic Republic of Iran*, Tehran: Dadgostar, First Edition, 2008. (in Persian)
17. Mousa-Zadeh, Reza, *Administrative Law 1 and 2 (Generalities and Iran)*, Tehran: Mizan, 2017. (in Persian)
18. Naji-Zavareh, Morteza, *Impartial Trial in Criminal Matters*, Tehran: Shahr-e-Danesh, 2010. (in Persian)
19. Nour-Baha, Reza, *Background of General Criminal Law*, Tehran: Ganj-e-Danesh, 2012. (in Persian)
20. Rah-Payk, Hassan, *Introduction to the Science of Law*, Tehran: Khorsandi, 2015. (in Persian)
21. Rasekh, Mohammad, Reyhaneh Kousheskar and Faezeh Ameri, *The Establishment of Regulations in the Judiciary*, Tehran: Derak, 2015. (in Persian)
22. Tabatabae'i Mo'tameni, Manouchehr, *Administrative Law*, Tehran: Samt, 2016. (in Persian)
23. Tangestani, Mohammad Ghasem, *Independence and Responsibility of the Judiciary*, Tehran: Mizan, 2018. (in Persian)
24. Vakil, Amir Sa'ed and Pouria Askari, *The Constitution in the Current Legal System*, Tehran: Majd, 2009. (in Persian)

Articles

25. Amiri, Mohsen and Mohammad Reza Vjeh, "Basic Principles Governing Judicial Independence in Iran's Legal System with an Eye to France's Legal system", *Comparative Law Researches*, Volume 18, Issue 3, 2014, pp: 1-26. (in Persian)
26. Elham, Gholam Hossein and Mohammad Amin Abrishami Rad, "Review of the Guardian Council's View about the Possibility of Sending Judicial Bills to the Majles Directly", *Quarterly Journal of Islamic Law Research*, Volume 15, Issue 2, 2014, pp: 55-77. (in Persian)
27. Fahimi, Mohammad Bagher and Sayyed Ebrahim Hosseini, "Comparative Study of the Role of the Judiciary in the Islamic Countries of Afghanistan, Egypt, Pakistan and Iran", *Journal of Thoughts on Public Law*, Volume 6, Issue 2, 2017, pp: 75-95. (in Persian)
28. Fallah-Zadeh, Ali Mohammad and Zahra Zare'i, "Comparative study of the General Inspectorate of the country and the Ombudsman Institution", *Administrative Law Quarterly*, Volume 1, Issue 2, 2013, pp: 127-158. (in Persian)
29. Ja'fari, Esmaeil and Sayyedeh Leila Hashemi-Nejad, "The Effect of Separation of Powers on the Performance of the Islamic Republic of Iran: Strengths and Weaknesses", *National Research Monthly Magazine*, Volume 2, Issue 14, 2016, pp: 21-41. (in Persian)
30. Kashani, Javad, "The Concept of Judicial Bill", *Quarterly Journal of Public Law Research*, Volume 18, Issue 53, 2017, pp: 9-27. (in Persian)

31. Larkins, Christopher, "Conceptual and Theoretical Analysis of the Relationship between Judicial Independence and Popularization", Translated by: Mohammad Hossein Zare'i, *Quarterly Journal of Strategy*, Volume 10, Issue 3, 2002, pp: 241-217. (in Persian)
32. Savadkouhi-Far, Sam, "A Discussion on the Executive Power of the Regulations and Circulars of the Judiciary in Comparison with the Regulations and Resolutions of the Executive Branch", *The Judiciarys Law Journal*, Volume 65, Issue 35, 2001, pp: 41-54. (in Persian)
33. Tangestani, Mohammad Ghasem, "Limitations and Requirements of Authorities of Head of the Judiciary about Creation Necessary Organizations in the Judiciary in Legal System of Iran in the Iranian Legal System", *Administrative Law Quarterly*, Volume 6, Issue 19, 2019, pp: 53-78. (in Persian)
34. Zamani, Aminollah, Mohammad Hossein Bagheri Khozani, "The Authority of the Chief Justice of Iran to Send Judicial Bills Directly to the Parliament", *The Judiciarys Law Journal*, Volume 82, Issue 103, 2018, PP 33-50. (in Persian)

Websites

35. Comprehensive System of Guardian Council Opinions Available at: <http://nazarat.shora-rc.ir/> (in Persian)

*This page is intentionally
left blank.*